آموزش تحلیل سیاسی/ آینده‌ی انقلاب (6)

ششم، محبوبیت در نزد سایر ملت‌ها: «بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه‌جا می‌رود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد؛ حالا جنجال کنند، دادوبیداد کنند؛ رفته، صادر شده و الان شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکّر در لبنان دارد فعّالیت می‌کند، در عراق دارد فعّالیت می‌کند؛ جوان‌های عراقی حرکت کردند همراه ارتش‌شان شدند توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین‌جور، در غزّه همین‌جور، در فلسطین همین‌جور، در یمن همین‌جور، ان‌شاءالله در قدس شریف و برای نجاتِ الاقصی هم همین‌جور.»(6/9/93)





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 98/ شنبه 3 شهریور ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**سوریه مقاوم در آستانه بزرگترین پیروزی منطقه‌ای و بین‌المللی**

****

سوریه در آستانه یک تحول سیاسی است. تحول سیاسی آن این است که ارتش سوریه و جبهه مقاومت در حال آماده‌سازی عملیات بزرگ «ادلب» - تنها استان باقی مانده در اشغال تروریست‌های تحت‌الحمایه خارجی- هستند ارتش سوریه طی روزهای اخیر، یگان‌هایی را به سمت مناطق شمال شرقی استان لاذقیه گسیل داشته و در جنوب این استان نیز طرح‌های عملیاتی خود را آماده کرده است. بطور مشخص آمریکا و ترکیه با عملیات آزادسازی ادلب مخالف هستند .آمریکایی‌ها در ماجرای سوریه، شکست بسیار بزرگی متحمل شده‌اند که دارای ابعاد مختلف می‌باشد. آنان طی دو سال اخیر تلاش کردند تا با استفاده ابزاری از کردها، موقعیتی برای خود در سوریه دست و پا کرده و بر تحولات این کشور اثر بگذارند آنان به زودی در ادامه این سیاست و سیاست موافقت با ترکیه به‌عنوان عضو ناتو گرفتار تناقض شده و در نهایت جانب ترکیه را گرفته و کردها را رها کردند، اما این سیاست هیچ کمکی به آمریکا نکرد چرا که تقویت ترکیه را در پی نداشت و آمریکا و ترکیه را به کانون تحولات سوریه نزدیک نکرد.خیانت آمریکا به کردها سبب نزدیکی آنان به دولت دمشق گردید. هم اینک کردها و دولت سوریه در موضعی واحد خواهان اخراج ترکیه و آمریکا از خاک سوریه هستند و مسایل کردها با دولت مرکزی در حال حل و فصل می‌باشد. آمریکا در روزهای گذشته زمزمه خروج از سوریه را مطرح کرد و حتی دونالد ترامپ که همین اردیبهشت ماه به سه نقطه در سوریه حمله نمود، دو روز پیش گفت؛ اساساً سیاست حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا از اول اشتباه بوده است!

**نتیجه پرسش چه خواهد بود؟**

****

در مجموع پرسش‌کنندگان دغدغه اجرای قانون ندارند و لذا از آقای رئیس جمهوری برای قانع کردن آنها کاری برنمی‌آید، چون آنان تصمیم خود را گرفته‌اند. از این‌رو پرسش‌کنندگان چاره‌ای ندارند جز آنکه قضایا را از پرسش‌های پنج‌گانه فراتر ببرند و با جار و جنجال مشکل ایجاد کنند و بخواهند با عصبانی کردن رئیس جمهوری فضای تشنج در کشور ایجاد نمایند.واقعیت این است که به‌علت حزبی نبودن ساختار سیاسی در ایران و به تبع آن حزبی نبودن مجلس، نمایندگان قدرت بی‌حد و حصر خود را اعمال می‌کنند ولی مسئولیت‌پذیری متناسب با این قدرت ندارند. نمونه روشن آن نیز همین پرسش از رئیس جمهوری است. آنان پیش از هر پرسشی از دیگران باید سهم خودشان را در وضعیت موجود کشور روشن کنند، اگر قدرت دارند، مسئولیت ناشی از آن قدرت چگونه است و اگر قدرت ندارند، چرا؟ در مجموع به نظر می‌رسد که هدف یا حداقل نتیجه حتمی از پرسش، حل هیچ دغدغه‌ای نیست، جز افزایش تنش و شکاف درون قدرت و این از همه چیز برای جامعه ایران خطرناک‌تر است.

**مشکل اقتصاد چیست؟!**

****

دولتی‌ها و لشکر رسانه‌ای اصلاح‌‌‌‌‌‌طلبان حالا 5 سال است بر طبل رابطه با غرب برای بهبود اوضاع اقتصاد ملی کوبیده‌‌‌اند. اکنون اما چیز شگرفی رخ داده است و لشکر رسانه‌ای اصلاح‌طلب کم‌کم به این فکر می‌افتند که باید دولت را بابت راهی که خود پیش پایش گذاشته‌‌‌‌اند، هر روز و هر ساعت سرزنش کنند! سعید حجاریان، تئوریسین اصلاح‌‌‌‌‌‌طلبان آنقدر آ‌‌‌ش را شور دیده که در مصاحبه با شرق بگوید: «اصلاح‌طلبان بگویند دولت روحانی، دولت ما نیست!» این همه ترس اما معلول چیست و چرا کسی باید از بار کردن کارنامه دولت بر دوش خود اینقدر در هراس باشد؟ مگر نه اینکه همین حجاریان ابتدای سال 93 طی گفت‌وگو با ویژه‌نامه روزنامه اعتماد گفته بود: «اگر اصلاح‌طلبان نباشند روحانی هم وجود نخواهد داشت». وی در ادامه با بیان اینکه اصلاح‌طلبان حامی و ستون فقرات برنامه‌های روحانی هستند، تاکید کرده بود: «اگر اصلاح‌طلبان بشکنند روحانی هم شکسته است».حجاریان بعدها ادبیات خود را مهربانانه‌‌‌‌‌‌تر کرده، گفته بود: «اصلاح‌طلبان حاضرند «دندانه‌های کلید» روحانی باشند» و در عمل هم چنین شد! حالا اما چنان نیست و کسی دوست ندارد به روحانی و دولت وی، حتی نزدیک شود. چنین رویکرد کاسبکارانه‌ای در مواجهه با مسائل ملی، به‌خصوص در اوضاع اقتصادی فعلی حتما نه اخلاقی است و نه از دید افکار عمومی پنهان خواهد ماند. علت‌العلل رفتار متناقض امثال حجاریان اما چیست و برای درمان چنین تدلیس آشکار و بزرگی چه باید کرد؟ پاسخ این است: «تقریبا هیچ!»؛ فرافکنی اصلاح‌‌‌‌‌‌طلبان اساسا با این پیش‌فرض دلخوشانه صورت می‌گیرد که نسبت آنها و افکار عمومی هنوز هم در شرایط پیشاانتخابات

96 است. این در حالی است که با آشکار شدن شکست ایده مرکزی دولت و دوستان اصلاح‌طلبش در2 سال اخیر، افکار عمومی بخوبی معنای «تدبیر» و «تکرار» را در کنار هم چشیده ‌است!

**ترامپ‌گيت**



پرونده‌اي كه دونالد ترامپ آن را در ابتدا جدي نمي‌گرفت، اكنون تبديل به جدي‌ترين تهديد رياست‌جمهوري او شده است. به نظر مي‌رسد مايكل كوهن در حال تبديل شدن به پاشنه آشيل دونالد ترامپ است. فردي كه رازدار خصوصي‌ترين اسرار دونالد ترامپ محسوب مي‌شد و در جريان جزيي‌ترين اتفاقات زندگي دونالد ترامپ قرار داشت، حالا وعده همكاري در همه زمينه‌ها را به بازپرس مولر داده است. او حتي در دادگاه خود پذيرفته است كه به دستور يكي از كانديداهاي رياست‌جمهوري سال ٢٠١٦ پيش از انتخابات به زناني كه او با آنها در ارتباط بوده، حق‌السكوت پرداخت كرده است. وي تاكيد كرد كه ترامپ دستور پرداخت اين پول را داد تا جلوي تاثير‌گذاري اين مساله بر انتخابات با پرداخت اين پول گرفته شود. به نوشته نيويورك تايمز اگر ثابت شود، اظهارات كوهن درست است، مي‌توان اين اتهام را جرمي جدي براي دونالد ترامپ دانست. به نظر مي‌رسد، دونالد ترامپ بيش از هر زمان ديگري نگران موقعيت خود شده است. او كه پيش از اين سعي مي‌كرد، صحبتي از استيضاح يا كناره‌گيري خود به ميان نياورد، اكنون و پس از آنكه مانفورت و كوهن در دادگاه مجرم شناخته شدند، نگران شرايط خود شده است.

**ایران ذاتا تحریم‌پذیر نیست**

****

واقعیت این است که به لحاظ عملی و عملیاتی، تحریم‌ها از نیمه مرداد 1397 شروع شده و این بدان معناست که حداقل 6 تا 9 ماه وقت لازم دارد تا آثار واقعی خود را در اقتصاد ایران نشان دهد. این در حالی است که تحریم‌های اصلی یعنی تحریم خرید نفت و همان‌طور تحریم بانک مرکزی قرار است از نیمه آبان ماه شروع شود که بدین معناست که اگر قرار بود اقتصاد ایران از تحریم‌ها آسیب ببیند، باید آثار این تحریم‌ها از اوایل یا نیمه سال 1398 در اقتصاد ظاهر شود؛ درحالی که ما می‌دانیم حداقل 18 ماه زودتر مشکلات اقتصادی ایران از اواخر سال 1396 عیان شده است. اگر از منظر مردم به موضوع نگاه کنیم، آنچه در بالا می‌بینیم یک آشفتگی و یک بی‌تدبیری در مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی دولت و همان‌طور نبرد شدیدی بین جناح‌های سیاسی است. اینجاست که وابستگی اقتصاد ایران به واردات 5 درصد است و ایران در مجموع یکی از کشورهای منزوی و خودکفای دنیا حساب می‌شود. به فرض اینکه اگر این 5 درصد یکباره صفر شود که هنوز نشده، چون میزان واردات کشور اندکی نسبت به سال گذشته کاهش یافته است، یا اگر فرض کنیم که قیمت این واردات یکباره دو برابر می‌شد، معادل 5 درصد در کل اقتصاد ایران اثر می‌گذاشته ولی نه اینکه از پوشک بچه و شیر

 خشک گرفته تا فولاد و آهن کمیاب شود. علت این ماجرا را در آثار واقعی تحریم نباید جست‌وجو کرد. این آشفتگی است که باعث می‌شود مردم از چند دستگی به وحشت می‌افتند و این آنارشیسمی که وجود دارد و در بین مردم دیده می‌شود و مردم را نسبت به آینده به شدت نگران می‌کند. از این‌رو، این عامل باعث می‌شود که سرعت انتقال نقدینگی در کشور افزایش یافته و فضا ملتهب شود.

سندرم ايمپاستر اجتماعي



به رغم آنکه اقتصاد مقاومتي به ميراث مانده از دوران دفاع مقدس (و واقعاً «مقدس») باعث شد که ما لااقل تا آغاز اين دولت، جز در مقاطعي، چيزي از اين بحران نفهميم، ولي رقابت‌هاي بي‌رحمانه انتخاباتي کثرت‌گرا که ميراث روشنفکري هفتاد و ششي است، به علاوه مطبوعات و فرهنگ روزنامه‌نگاري سياه‌نمايي آن، و نهايتاً مديريتي که در اين دولت اخير عمدتاً مردمي و انقلابي نيست، به يک نکوهش وسيع قرباني منجر شده است، طوري که گويي در متن بحران فراگير اقتصادي جهان، حادمسئله اقتصادي، تنها مسئله ماست، و از ماست که بر ماست! در صحنه شبکه‌هاي اجتماعي، يک نحو خودتحقيرگري بي‌پايان جريان دارد که در يک افق ديد جهاني مي‌توان به آن «سندرم ايمپاستر اجتماعي» ( (Impostor Syndrome)، يک اختلال است که طي آن افراد موفق، نمي‌توانند پيشرفت‌ها و پيروزي‌هاي خود را بپذيرند.) اطلاق کرد. کسي مانند دکتر هاشم پسران که در مقياسي جهاني به اقتصادسنجي مشغول است، سياست‌هاي اقتصادي ايران را بحراني نمي‌بيند، ولي از درون، سياه‌نمايي مطلق در جريان است. در نتيجه اين جو بيمارگون، آن قدر حرافي غيرواقعي تيغ در دست مشغول بريدن ساقه‌هاي اميد است، که انبوهي به سياق مهران مديري را مصمم کرده تا ترک محفل مجازي کنند و سر خويش بگيرند و خلاص شوند از اين همه سياه‌پردازي که عمده فايده آن، توقف اراده‌هاي تاريخ‌ساز است. از يک ديدگاه اقتصادي، اگر اصل حادمسئله اقتصادي امروز جهان و ايران، «اشتغال» است؛ مغز و جوهر اين اصل، به فراگيري حضور ماشين‌ها و خصوصاً ماشين‌هاي هوشمند در مشاغلي مربوط مي‌شود که پيش از اين، انسان‌ها در آن‌ها مستقر مي‌شدند. انسان‌ها، با کار کردن در موقعيت‌هايي که امروز توسط ماشين‌ها اشغال شده است، قدرت خريد مي‌يافتند که در سايه اين قدرت خريد، زنجيره‌وار موقعيت‌هاي شغلي بعدي زنده مي‌شدند و زنده مي‌ماندند.

**شاهکارهای ارزی دولت**

****

روزنامه همشهری، بسته ارزی جدید دولت را شاهکار خواند و خواستار توضیح درباره تخلفات انجام گرفته شد.این روزنامه می‌نویسد: وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: تا پیش از ارائه بسته جدید ارزی، صفوف کیلومتری برای تقاضای ثبت سفارش تشکیل می‌شد اما با بسته جدید ارزی، این روند متوقف شد. محمد شریعتمداری با اشاره به رکورد 250

 میلیارد دلار ثبت سفارش واردات در 4 ماه نخست سال، تاکید کرد: بخش قابل ملاحظه‌ای از این تقاضاها با هدف دریافت ارز دولتی ثبت می‌شد.همشهری می‌افزاید: آن‌قدر فسادزایی بسته اول ارزی بالا بود که حتی منتشر نکردن اسامی دریافت‌کنندگان ارز نیز نتوانست از آشکار شدن فساد و رانت آن ممانعت کند اما عاقبت با بسته جدید ارزی دولت، تا حد زیادی راه بر این رانت و فساد بسته شد تا دولتمردان بتوانند با خیال راحت از دستاورد خود تعریف و تمجید کنند.البته با بسته جدید ارزی بخشی از فعالان اقتصادی راستین کشور که با ارز دولتی مواد اولیه وارد کرده‌اند، حالا مکلف به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز دولتی و آزاد شده‌اند و در چنان تنگنایی قرار گرفته‌اند که شاید تنها راهشان خانه‌نشینی و ترک کار باشد. ازسوی دیگر، بازار هم که از اول قیمت‌گذاری خود را بر مبنای ارز آزاد قرار داد و با رشد قیمت‌ها مواجه شد حالا با کمبود کالا روبه‌رو شده که بخشی به واسطه توقف تولید و واردات است و بخشی دیگر به دلیل احتکار.

